

غده بدخیم

ویژه‌نامه مواضع برخی از مراجع عظام تقلید شیعه درباره رژیم صهیونیستی از زمان حاج شیخ عبدالکریم یزدی ^{رحمۃ اللہ علیہ} تا امام خمینی ^{رحمۃ اللہ علیہ}

• دوشنبه • ۶ آذر ۱۴۰۲ • ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵ • ۲۷ نوامبر ۲۰۲۳ • شماره‌اول



مراجع شیعه در راستای مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از مردم مظلوم فلسطین، اقدامات متعددی انجام داده‌اند و بنا بر اصل برادری، با عنایت به تقریب مذاهب اسلامی، هرگز برادران مسلمان خود در فلسطین را فراموش نکرده‌اند. در تاریخ موارد بسیاری از حمایت علما و مراجع شیعه از ملت مظلوم فلسطین وجود دارد که در این نوشتار، تنها به مواضع تعدادی از مراجع شیعه اشاره شده است. امروز نیز علما و مراجع بزرگوار شیعه، برای مبارزه با غده سرطانی صهیونیسم، توجه و اهتمام ویژه دارند.

در کارنامه سیاسی آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی ^{رحمۃ اللہ علیہ}، مؤسس حوزه علمیه قم نیز، نقاط درخشانی وجود دارد که با بررسی دقیق آنها، علاوه بر شناخت بیشتر مواضع و روشنگری ایشان در رخدادهای مهم، تأثیرات شگرف تصمیمات ایشان نمایان می‌شود.

یکی از این مسائل، واکنش صریح معظم له به تصمیم دولت انگلیس در الحاق کشور فلسطین به مستعمرات خود و اعطای این سرزمین به یهودیان و دولت صهیونیست است.

در بحبوحه جنگ جهانی اول، دولت استعمارگر انگلیس با دولت فرانسه، در سال ۱۹۱۶ (۱۲۹۵) قراردادی را امضاء کردند که «به‌موجب آن، این دو کشور پیش از پایان جنگ، میراث امپراتوری عثمانی را در خاورمیانه، میان خود تقسیم کردند. به‌موجب این قرارداد، سوریه و لبنان و بخشی از جنوب ترکیه، به‌عنوان سهم فرانسه و فلسطین و مناطق اطراف خلیج فارس و سرزمین کنونی عراق تا بغداد سهم انگلستان شناخته شد.»^۱

بعد از رسمی کردن تسلط انگلیس بر فلسطین، به‌علت پیوندی که دولت استعماری انگلیس با یهودیان داشت، در سال ۱۹۲۲ با تنظیم لایحه سرپرستی فلسطین و ارسال آن به جامعه ملل به اهداف و تعهدات خود با صهیونیست‌ها جامه عمل پوشاند. هنگامی که تعهد بین این دو فاش شد، همواره در میان ساکنان مسلمان و اعراب مناطق اشغالی با دولت انگلستان و صهیونیست‌ها نبردها و مبارزاتی خونی‌ن به‌وقوع پیوست. در همین زمان بود که آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری ^{رحمۃ اللہ علیہ} و به‌تبع وی سایر روحانیون ایران برای دفاع از مردم فلسطین دست به‌کار شدند.

حرکت اصلی مؤسس حوزه در این زمان، ارسال نامه‌ای به رضاشاه بود. ایشان در دی‌ماه ۱۳۱۲ این نامه را توسط آیت‌الله سید محمد بهبهانی، فرزند سیدعبدالله بهبهانی ^{رحمۃ اللہ علیہ} از رهبران مشروطیت، به رضاشاه ارسال و شرط کرد که این نامه در جراید نیز درج شود.^۲

موضوع تلگراف آیت‌الله العظمی حائری ^{رحمۃ اللہ علیہ} توسط آیت‌الله بهبهانی ^{رحمۃ اللہ علیہ} در تاریخ ۷ دی ۱۳۱۲ یعنی آخرین روزهای ۱۹۳۳ به اطلاع نخست‌وزیری می‌رسد. در بخشی از نامه آیت‌الله بهبهانی ^{رحمۃ اللہ علیہ} چنین آمده است:

«... با تقدیم عرض دعاگویی مصدع است از طرف حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ عبدالکریم و جمله‌ای از وجوه علمای اعلام قم ^{داشت یکتاهم} تلگرافاً راجع به فلسطین، تظلماتی به حضور مبارک شاهنشاهی شده است و صورتشان را سرکار آیت‌الله معظم برای حقیر فرستاده‌اند. اینک تقدیم می‌شود و در صورتی که مقتضی بدانند، مقرر فرمایید، در جراید نشر شود. شاید این چندروزه از سایر ولایات هم قریب به همین مضامین مخابراتی شود. به نظر قاصر حقیر درج آنها در جراید بی‌مناسبت نیست...^۳»

• **اهمیت این اقدام با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی عصر حاج شیخ ^{رحمۃ اللہ علیہ}**

برای روشن شدن اهمیت نامه آیت‌الله‌العظمی حائری ^{رحمۃ اللہ علیہ}، نیاز است، فضای اختناق و حساس آن زمان در حد اختصار تبیین شود و سپس به شرح ابعاد مختلف نامه بپردازیم.

درست در سال ورود آیت‌الله حائری به قم و بنا نهادن پایه‌های حوزه، رضاخان با کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی ^{رحمۃ اللہ علیہ} وارد تهران شد و اوضاع سیاسی اجتماعی کشور، به یک‌باره تغییر کرد و با گذشت اندک زمانی رضاخان با توسل به چند مانور سیاسی، ماهرانه به سلطنت رسید. هم‌زمانی دو واقعه مهم، یعنی تأسیس حوزه علمیه قم، به‌منظور مستحکم نمودن پایه‌های دینی در کشور توسط یکی از مراجع بزرگ و به قدرت رسیدن رضاخان و اعمال دیکتاتوری و برچیدن بساط مشروعت از سوی دیگر، موجبات مقابله شدید نهاد حوزه (مرکز رهبری دینی) و نهاد دولت (مرکز قدرت و تصمیم‌گیری) را فراهم ساخت. با استقرار و تثبیت سلطنت پهلوی، دوره

علمای شیعه، پرچمدار مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی

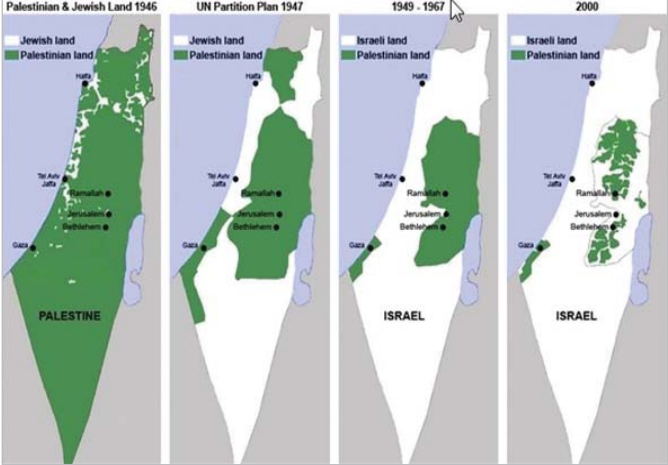
رژیم منحوس صهیونیستی در دوره حیات نامبارک خود، منشأ جنایت‌های بی‌شمار و ظلم‌های بسیار بوده است. این رژیم بعد از اشغال سرزمین فلسطین، با کمک استعمار آمریکا، انواع و اقسام جنایت‌ها را علیه فلسطینیان مرتکب شده است. رژیم اسرائیل با قتل‌عام هزاران کودک و زن و مرد و پیر و جوان، به حیات نامبارک خود ادامه می‌دهد. این مقاله بر آن نیست تا جنایت‌های رژیم صهیونیستی را بازخوانی کند؛ که صحبت درباره این جنایت‌ها نه در یک مقاله، که در چند جلد کتاب هم نمی‌گنجد. مرکز بررسی اسناد تاریخی در این نوشتار به دنبال آن است تا مواجهه برخی از مراجع تقلید و آیات عظام با پدیده اسرائیل را بررسی کند تا نشان دهد، ایراد و شبهه‌افکنی برخی افراد درباره سهل‌انگاری و یا بی‌توجهی مراجع شیعه و آیات عظام به مسئله اشغال و ادامه حیات اسرائیل، بنیان و پایه صحیح ندارد و تاریخ مستند خلاف آن را اثبات می‌کند.

• **نگاهی مختصر به تاریخچه پیدایش رژیم صهیونیستی**

پس از تشکیل نخستین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷م / ۱۲۷۶ش، ایجاد دولتی یهودی در سرزمین فلسطین در صدر فعالیت‌های جنبش صهیونیسم و اتحادیه‌های جهانی یهود قرار گرفت. ریاست این کنگره را تئودور هرتزل^۱ به عهده داشت. هدف اصلی و اساسی صهیونیست‌ها در کنگره اول عبارت بود از: تلاش برای ایجاد کانون خلق یهود در فلسطین. در دومین کنگره که چند سال بعد تشکیل شد، بار دیگر اکثریت نمایندگان یهودی بر ایجاد کشوری یهودی تأکید کردند.^۲

بعد از جنگ جهانی اول، وزیر امور خارجه انگلیس، یعنی لرد بالفور، به این نتیجه رسید که منافع لندن با ایجاد یک میهن ملی برای یهودیان هماهنگ است؛ لذا رهبران این کشور مجاب شدند تا با صدور یک اعلامیه، بنیان سیاسی رژیم صهیونیستی را بنا نهند. این بیانیه که در سال ۱۹۱۷م / ۱۲۹۶ش و در اواخر جنگ جهانی اول صادر شد، با آرمان‌های یهودیان برای ایجاد یک میهن ملی در فلسطین اعلام همبستگی کرد. این بیانیه به اعلامیه بالفور معروف است.^۳

در نامه آرتور جیمز بالفور – وزیر خارجه انگلیس – خطاب به بارون والتر روتشیلد – یکی از رهبران صهیونیسم – که بعدها به «بیانیه بالفور» مشهور شد، چنین آمده است: «لرد روتشیلد گرامی! بسیار خوش‌وقتم که از جانب دولت اعلی حضرت، اعلام همدلی ذیل با آرمان‌های یهودیان صهیونیست را که به کابینه تقدیم و با آن موافقت شده، ابلاغ نمایم. دولت اعلی حضرت نسبت به ایجاد یک خانه ملی برای یهودیان در فلسطین



• **پی‌نوشت‌ها**

- بنیامین ذئب تئودور هرتزل (هرتسل) (۱۹۰۴–۱۸۶۰م / ۱۲۳۹ تا ۱۲۸۳ش) فعال سیاسی یهودی است که جنبش سیاسی صهیونیسم را پایه‌گذاری کرد؛
- محمدحسن رجبی، نقش علمای شیعه در برابر جنبش صهیونیسم و اسرائیل، روزنامه جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۵، شماره ۷۸۴، ص ۶؛
- محمدرضا چیت‌سازیان، چرا اعلامیه بالفور توسط دولت انگلستان صادر شد؟، منتشرشده در سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ انتشار: ۵ دی ۱۴۰۱؛
- مجید صفاتاج، «نقش اعلامیه بالفور در تولد رژیم صهیونیستی»، نشریه پاسدار اسلام، آبان ۱۳۹۱ – شماره ۳۷۱، ص ۴۷؛
- محمد حسن رجبی، همان، ص ۶.

مؤسس حوزه و مسئله مبارزه با رژیم صهیونیستی

در ایران وجود نداشت که به این مسئله بپردازد. چه آن‌که چند نشریه محدود نیز، در جنبهٔ قدرت رضاخان بودند و اجازه انتشار مطلبی در این موضوع را نداشتند. حتی تلگراف نیز که تنها وسیله ارتباط سریع بین شهرها بود، تحت نظر دولت قرار داشت و اجازه ارسال حتی یک تلگراف در این خصوص را نداشت. از سوی دیگر، شاهد سکوت بسیاری از علمای کشورهای عربی که از نزدیک شاهد ماجرا بودند، هستیم که حتی ده‌ها سال بعد از اشغال فلسطین، یا به جهت بی‌اطلاعی و یا خوف از دولت‌های خود، لب به اعتراض نگشوندند؛ از این‌رو می‌توان گفت آیت‌الله حائری به خوبی اهمیت ماجرا را دریافت و با تحلیل و تصمیمی دقیق، توانست بینش سیاسی و واقع‌نگر خود را در خصوص مسئله فلسطین نشان دهد.

• **۲.** ممکن بود مؤسس حوزه، همچون سایر اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ای خطاب به مردم صادر کرده و ضمن اعلام خطر، مردم را به مبارزه و قیام علیه اشغالگران فرا بخواند؛ اما آیت‌الله حائری این نامه را خطاب به رضاخان به‌عنوان رئیس یک دولت اسلامی نوشت و از وی خواست، از بُعد بین‌المللی از مردم فلسطین حمایت کند. از سوی دیگر ممکن بود، نامه آیت‌الله حائری ^{رحمۃ اللہ علیہ} خطاب به مردم، تبدیل به بهانه‌ای شود تا رضاشاه، مؤسس حوزه را متهم به برهم زدن نظم عمومی و اخلاص در امنیت جامعه نماید!

• **۳.** نکته جالب توجه در این نامه، شرط ابتکاری آیت‌الله حائری است. همان‌گونه که در نامه آیت‌الله بهبهانی آمده است، آیت‌الله حائری خواستار درج نامه در جراید شده بود. از آنجا که مسئله اشغال فلسطین امری بین‌المللی و سیاسی و اجتماعی بود، آیت‌الله لازم دید تا با درج نامه در جراید، علاوه بر اطلاع مردم ایران، مردم و علمای سایر کشورها نیز، از انتشار چنین نامه‌ای و حمایت مرجعیت شیعه در ایران از حقوق ملت فلسطین اطلاع یابند؛ اما از آنجا که رضاشاه دست‌نشانده و مطیع امر انگلیس بود، این شرط آیت‌الله حائری را، تهدید منافع انگلیس دانست و رد کرد. دربار رضاخان در پاسخ به این درخواست چنین نوشت: «حسب‌الامر جهان‌مطاع مبارک شاهانه ارواحنا فداء، ابلاغ می‌نماید، انتشار تلگراف راجع به مسلمین فلسطین در جراید مقتضی نیست.»^۴

• **۴.** مخالفت رضاشاه با درج نامه آیت‌الله حائری در جراید و بی‌پاسخ گذاشتن این نامه، اولین گام در اثبات وجود رابطه تنگاتنگ پهلوی اول و دوم با رژیم اسرائیل بود؛ به‌ویژه آنکه در پشت پرده هر دو ی این رژیم‌ها، دولت انگلیس منافع خود را پیاده می‌کرد و آنان نیز، نیروی اجرایی انگلیس محسوب می‌شدند.

بنابراین مرحوم حاج شیخ با این اقدام، سنگ بنای آگاهی و مخالفت علمای شیعی در ایران با اشغال سرزمین‌های فلسطین و ماهیت رژیم صهیونیستی را پایه‌گذاری نمودند و علمای حوزه علمیه و متدینان و روشن‌فکران متعهد، بعد از وی با تأسی از معظم له، خطر رژیم صهیونیستی را احساس کرده و همواره به‌طرق مختلف، به مخالفت و مبارزه با آن پرداختند.

منبع:مرکز اسناد انقلاب اسلامی

• **پی‌نوشت‌ها**

- فرهنگ جامع سیاسی، ص ۵۴۸؛
- جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۲۲۸؛
- بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حائری، ص ۳۴۴؛
- مؤسس حوزه، ص ۸۷؛
- تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۶۵؛
- سازمان اسناد ملی ایران شماره ۱۴۰۰۶، پاکت شماره ۸۸۵.